

پزشکیان: دنبال جنگ نیستیم اما مقابل قدری آمریکا خواهیم ایستاد

رئیس‌جمهوری گفت: آمریکایی‌ها تصور می‌کنند نمی‌توانیم در مقابل حملات و تحریم‌های آنان بایستیم، اما خواهیم ایستاد؛ البته دنبال جنگ نیستیم، ولی به‌هیچ‌وجه در برابر زور و قدری دشمن سر خم نخواهیم کرد.

مسعود پزشکیان دیروز در سی‌امین آیین روز ملی صادرات با گرامیداشت یاد رهبر شهید انقلاب اسلامی، گفت: ایشان همواره پشتیبان و حمایتگر تولیدکنندگان و صادرکنندگان بودند و از تلاش‌ها و زحمات همه فعالان اقتصادی کشور، به‌ویژه صادرکنندگان که با اقدامات و فعالیت‌های خود در روزهای سخت باعث شدند ایران بتواند در مقابل فشارها، تحریم‌ها و ایجاد محدودیت‌های دشمنان بایستد، قدردانی می‌کنم.

پایداری ملت ایران، نگاه سایر کشورها را به ظرفیت و توانمندی ما تغییر داد رئیس‌جمهوری با بیان اینکه ایستادگی و مقاومت در برابر دشمنان باعث شد نگاه همسایگان و دیگر کشورها به ایران تغییر یابد، تصریح کرد: مقاومت و پایداری ملت ایران، نگاه سایر کشورها به ظرفیت و توانمندی کشور ما را تغییر داد. از این رو باید روند را برای شکوفایی و آبادانی کشورمان به‌گونه‌ای طراحی کنیم که بتوانیم در آینده با قدرت و صلابت بیشتر مسیر را ادامه دهیم.

نباید هیچ مانعتی در مسیر تجارت و صادرات فعالان اقتصادی باشد

پزشکیان با یادآوری تجربه موفق واگذاری اختیارات به وزرا و استانداران در دو جنگ اخیر و لزوم فراهم‌شدن زمینه مناسب برای فعالیت تجار و بازرگانان اظهار کرد: همان‌طور که در دوران دو جنگ اخیر، اختیار و مدیریت را منطقه‌ای پیش بردیم و به استانداران و وزرا واگذار کردیم و برخی از قوانین و مقررات را متناسب با شرایط جنگی تغییر دادیم، اکنون نیز باید بستر را به‌گونه‌ای هموار کنیم که بدون هیچ مانعتی مسیر تجارت و صادرات را طی کنیم.

رئیس‌جمهوری با مرور سابقه عهدشکنی مکرر آمریکا، حمله نظامی به ایران حین مذاکرات و به شهادت رساندن رهبر شهید انقلاب اسلامی، تصریح کرد: آمریکایی‌ها تصور می‌کنند ما نمی‌توانیم در مقابل حملات و تحریم‌های آنان بایستیم، اما ما خواهیم ایستاد. البته دنبال جنگ نیستیم، ولی به‌هیچ‌وجه در برابر زور و قدری دشمن سر خم نخواهیم کرد. این پایداری و ایستادگی ریشه در فرهنگ، باور و اعتقاد ما ایرانیان دارد.

بیش از شهادت رهبری دستور مذاکره و حل‌وفصل مسائل را از ایشان دریافت کرده بودیم

پزشکیان در ادامه ریشه تمام مشکلات امروز منطقه و جهان و تشدید تنش‌ها و درگیری‌ها را ناشت‌گرفته از خوی جنگ‌طلبی و سلطه‌گری آمریکا دانست و گفت: آمریکا در حالی با حمله جانیانکارانه به کشورمان رهبر معظم انقلاب، فرماندهان، دانشمندان و دانش‌آموزان ما را به شهادت رساند که پیش از شهادت ایشان ما دستور مذاکره و حل‌وفصل مسائل را از ایشان دریافت کرده بودیم.

عراقچی: وضعیت کشور همچنان جنگی است

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران نیز در نشست روز ملی صادرات گفت: از دیدگاه بنده، در شرایط کنونی کشور، هم با جنگ و تهدید نظامی و هم با تحریم‌های گسترده اقتصادی مواجه هستیم، در حال حاضر واقعیت این است که وضعیت کشور واقعا جنگی است و جنگ هنوز ادامه دارد. ما به وضعیت صلح نرسیده‌ایم و با آن فاصله داریم، بنابراین، همه تصمیمات باید در چارچوب شرایط جنگی کشور اتخاذ شود.

عراقچی گفت: در این جنگ که ابعاد اقتصادی بسیار مهمی دارد، به نظر من صادرکنندگان، فرماندهان و سربازان خط مقدم این جنگ و قهرمانان ملی این کشور هستند. من در وزارت امور خارجه این دیدگاه را تزریق کرده‌ام که وظیفه ما خدمتگزاری به صادرکنندگان و همه فعالان اقتصادی، به‌ویژه صادرکنندگان است. ما هیچ منتی بر کسی نداریم؛ این مأموریت و وظیفه ماست. وزیر خارجه گفت: در حوزه سیاست خارجی، باید از سر راه صادرکنندگان مانع‌زدایی کنیم، تسهیلگری انجام دهیم، بازارهای جدیدی برای آنها ایجاد و تلاش کنیم به‌صورت پروژه به پروژه و موضوع به موضوع، مشکلات را حل و مسیر را برای فعالیت آنها هموار کنیم. عراقچی تاکید کرد معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه مأموریت دارد مباحث کلان و کلی را در جای خود دنبال کند و با کنار آن، به صورت موردی وارد صحنه شود و برای رفع مشکلات صادرکنندگان اقدام کند.

مرزهای ما به‌جای محل تردد، به محل توقف تبدیل شده‌اند

وزیر خارجه کشورمان گفت: متأسفانه مرزهای ما به‌جای آنکه محل تردد باشند، به محل توقف تبدیل شده‌اند. ما به سهم خود در میدان حضور پیدا می‌کنیم تا مشخص شود مشکلات کجاست و به‌ویژه اگر منشأ آنها در طرف مقابل مرز باشد، برای رفعشان اقدام کنیم. در حوزه تعرفه‌ها نیز باید برای کاهش تعرفه‌ها در کشورهای همسایه، به‌منظور گسترش صادرات اقدام کنیم. عراقچی گفت: از شما صادرکنندگان درخواست می‌کنم برای انجام بهتر وظایف وزارت امور خارجه به ما کمک کنید؛ هم از طریق انتقال مشکلات و هم با حضور در دستگاه‌ها و مشارکت در جلسات ستاد هماهنگی روابط اقتصادی. اقدام دیگری که انجام شده و لازم می‌دانم به اطلاع شما برسانم، توسعه دیپلماسی استانی است. همسایگان همواره در سیاست خارجی ما اولویت داشته‌اند، اما در شرایط کنونی کشور، به‌ویژه در حوزه اقتصادی، به اعتقاد من اهمیت مضاعفی پیدا کرده‌اند.

زهره فراهانی: «در شورای نگهبان چه سناریوهایی طراحی کردند و چه اقداماتی انجام دادند؟ به‌موقع همه را بازگو خواهیم کرد؛ این بخشی از اظهارات منصور حقیقت‌پور، نماینده ادوار مجلس و از نزدیکان شهید علی لاریجانی است که در گفت‌وگویی تفصیلی با «شرق»، از آنچه ظلم و جفا در حق لاریجانی می‌نامد، پرده برمی‌دارد؛ هرچند تاکید دارد هنوز زمان بیان تمام جزئیات فرارسیده است. حقیقت‌پور در این مصاحبه، جریان‌های تندرو را اقلیتی برخوردار از تریبون‌های پرقدرت توصیف می‌کند و از انتقاد از عملکرد صداوسیما می‌گوید مرجعیت خبری از داخل کشور به خارج منتقل شده است. او در بخش دیگری از این گفت‌وگو، سیاست خارجی ایران را به نقد می‌کشد و معتقد است روسیه و چین هرچا منافعشان اقتضا کرده، مواضعی برخلاف منافع ایران اتخاذ کرده‌اند. حقیقت‌پور همچنین ضمن تاکید بر ضرورت حمایت از دولت در شرایط جنگی، پیشنهاد اصلاح قانون اساسی، بازنگری در وظایف شورای نگهبان و حتی بررسی تغییر مدل حکمرانی را مطرح می‌کند.

●●●

امروز کسی را حتی در نصف قواره لاریجانی نمی‌شناسم

وقتی نام شما مطرح می‌شود، یکی از اولین نام‌هایی که به ذهن می‌رسد، شهید علی لاریجانی است. شما سال‌های زیادی با ایشان همکاری نزدیک داشتید و در این چند ماه، جای خالی شهید لاریجانی در عرصه سیاسی و امنیتی کشور بسیار احساس شده است. از نظر شما کدام ویژگی سیاسی و امنیتی ایشان کمتر مورد توجه قرار گرفته و مردم کمتر آن از اطلاع دارند؟

آقای دکتر شهید لاریجانی یک شخصیت بی‌بدیل بود. من امروز کسی را حتی در نصف قواره آقای دکتر لاریجانی نمی‌بینم و نمی‌شناسم. آقای دکتر لاریجانی ویژگی‌های ممتازی داشت. در واقع مجموعه‌ای از خصوصیات و قابلیت‌های مختلف در یک نفر جمع شده بود. ایشان سیاست را می‌فهمید، امنیت را می‌فهمید، اقتصاد را می‌شناخت و با اندیشه بسیاری از متفکران سیاسی، اجتماعی و فلسفی کشور و منطقه آشنایی داشت. ایشان صبر فوق‌العاده‌ای داشت و اخلاقی، پایه رفتار ایشان بود. برای دردهای کشور هم درمان سراغ داشت. بالاخره ۱۲ سال در مجلس حضور داشت، مسائل و مشکلات کشور را از نزدیک دیده، با مناطق مختلف آشنا شده بود و در میدان حضور داشت. یکی از ویژگی‌های بسیار ممتاز آقای دکتر لاریجانی که امروز خیلی ما از آن برخوردار نیستند، قدرت جمع‌کردن بود. یعنی می‌توانست میان سیاست‌پور و نظامیان قرار بگیرد، حرف‌هاشان را بشنوند و بعد به یک جمع‌بندی برسد. مهم‌تر اینکه این جمع‌بندی مورد قبول واقع می‌شد؛ چون حرف غیرمنطقی نمی‌زد و اساس رفتار ایشان بر عقلانیت استوار بود. دردها و مشکلات امنیتی کشور را هم به‌خوبی می‌شناخت. به نظر من، دشمنان، آقای دکتر لاریجانی را بیشتر از دوستانش شناخته بودند. در عرصه سیاسی و در سطح بین‌المللی هم آقای دکتر لاریجانی حرف برای گفتن داشت. شما اظهارات آقای پوتین را دیدیم. من خودم در چند جلسه خارج از کشور همراه ایشان بودم که با رؤسای جمهور و مقامات بلندپایه کشورها ملاقات داشتند. همه آنها اظهار می‌کردند آقای لاریجانی شخصیت بی‌بدیلی در مذاکره است؛ ماذوره می‌فهمد و اقتضائات زمان را هم درک می‌کند. این موضوع بسیار مهم است. امروز یک دوقطبی نامتقارن ایجاد شده است؛ یک قطب کوچک اما دارای بلندگو که با صدای بلند می‌گوید باید جنگیم و یک قطب بزرگ که بلندگو ندارد و می‌گوید شاید از مسیر مذاکره هم بتوانیم مسائل را حل کنیم. این تصویری است که از دوقطبی‌شدن جامعه به وجود آمده است.

اما آقای دکتر همان‌طور که نیروهای مسلح را تأیید و حمایت می‌کرد، یکی از ارکان جدی مذاکره هم بود. اتفاقا عقلانیت همین است. ما نمی‌توانیم یک جنبه درگیری، یعنی عملیات نظامی و نظامیگری را ترجیح بدهیم و آن یکی را تعطیل کنیم؛ همان‌طور که نمی‌توانیم فقط مذاکره را ترجیح بدهیم و جنبه نظامی را کنار بگذاریم. عقلانیت حکم می‌کند بر پایه اقتضائات شرایط باید برویم و ببینیم در کدام وضعیت می‌توانیم بیشتر منافع ملی کشور را با کمترین هزینه تأمین کنیم. امروز اگر دفاع از چارچوبی که در اسلام‌آباد بسته شد، تأمین‌کننده منافع ملی ماست، باید دنبال ادامه آن برویم. آقای دکتر لاریجانی هم همین را می‌پسندید. اما اگر به این نتیجه برسیم که با یک جریان زورگو و خشن طرف هستیم، باید برویم و جنگیم. مهم، درک شرایط است؛ به شرایط امنیتی، به نظامی و چه سیاسی.

آقای دکتر لاریجانی این مسائل را در عالی‌ترین سطح درک می‌کرد. بالاخره ایشان پاسدار بود، معاون وزیر سپاه بود، نظامیگری را می‌فهمید، رئیس ستاد مشترک سپاه بود و مسائل نظامی را می‌شناخت. دبیر شورای عالی امنیت ملی هم بود و مسائل امنیتی را به‌خوبی متوجه می‌شد. ایشان شرایط جامعه، وضعیت اقتصادی و معیشت مردم، مسائل امنیتی و توان نظامی کشور را کنار هم می‌گذاشت و بعد تصمیم می‌گرفت. اگر امروز لازم باشد جنگیم، باید جنگیم؛ اما اگر لازم باشد مذاکره کنیم و از طریق مذاکره با هزینه کمتر منافع ملی خودمان را تأمین کنیم، باید وارد مذاکره شویم. البته وقتی می‌خواهیم مذاکره کنیم، باید مذاکره قدرت‌پایه داشته باشیم. باید با لهجه قدرت صحبت کنیم. ورود به مذاکره به معنای دلیل‌پویدن نیست. لهجه ما باید لهجه قدرت باشد. باید بگوییم ما برابریم، شما حق ندارید به ما زور بگویید و حق ندارید چیزی را به ما تحمیل کنید. برعکس، باید از لبنان خارج شوید، اراضی لبنان را که تصاحب کرده‌اید، تخلیه کنید و آتش بس برقرار شود. ما می‌توانیم با چنین لحن قدرتمندی وارد مذاکره شویم و کار را جلو ببریم.

ظلم‌هایی را که در حق لاریجانی شد، به‌موقع بازگو می‌کنم

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم شهید لاریجانی، صبر ایشان بود. چند سال از سوی جریان‌های تندرو با بی‌مهری مواجه شد؛ حتی ماجرای پرتاب مهر به سمت ایشان را به خاطر داریم. اما بعد از شهادت لاریجانی، همان افرادی که به او حمله می‌کردند، در محبویت و جایگاهش سخن گفتند. بااین‌حال امروز می‌بینیم همان رفتارها در قبال شخصیت‌های دیگری تکرار می‌شود. شما این تناقض را چگونه تعبیر می‌کنید؟

من این موضوع را در مصاحبه دیگری با ایسنا هم مطرح

کرده‌ام. ما یک جریان تند در کشور داریم که اینها اقلیت هستند. از ۳۰۰ نماینده مجلس، حدود ۳۰ نفر یا حتی ۲۸،۲۷ نفر متعلق به این جریان هستند. در سطح کشور هم وضعیت همین است. **❖** در تهران چند درصد مردم در انتخابات شرکت کردند؟ اینها آمدند و رأی دادند، اما بخش بزرگی از مردم قهر کردند و رأی ندادند. در نتیجه این افراد وارد مجلس شدند. این جریان به‌راحتی می‌تواند آقای هاشمی‌رفسنجانی را بزند و از روی او عبور کند، آقای ناطق‌نوری را بزند و عبور کند، سیدحسن خمینی را بزنند و عبور کند و آقای دکتر لاریجانی را هم در موقعیت‌های مختلف مورد حمله قرار بدهد. مگر فقط همان ماجرای پرتاب مهر بود؟ در حوادث سال ۸۸ مگر به آقای لاریجانی نمی‌گفتند «ساکت فتنه»؟

به نظر من ایشان «عاقل فتنه» بود، نه «ساکت فتنه»، فتنه، احمدی‌نژاد بود که به اعتقاد من فتنه‌اش هنوز هم ادامه دارد. آقای دکتر لاریجانی عاقل بود و عاقلانه رفتار کرد. رفتار ایشان بر پایه عقلانیت بود و صبر بسیار زیادی هم داشت. بله، من حضور داشتم و ظلم‌هایی را که در حق آقای دکتر لاریجانی شد، دیدم. به‌موقع این مسائل را باز خواهم کرد و مطرح می‌کنم که در شورای نگهبان چه فیلم‌هایی بازی، چه سناریوهایی طراحی کردند و چه اقداماتی انجام دادند تا رأی عده‌ای از مردم که حق رأی داشتند، به سمت آقای دکتر لاریجانی نروند. این جریان ویژگی‌های خاصی دارد. من برای آنها از تعبیر «ثنوقرفان» استفاده کرده‌ام.

اینها با شخصیت‌ها به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که مردم می‌بینند چه بی‌اعتنایی‌هایی صورت می‌گیرد.

❖ می‌دانید چقدر از افراد مسئول به ما زنگ زدند؟ زمانی که آقای دکتر هنوز به شهادت نرسیده بود، افرادی تماس می‌گرفتند می‌گفتند به دکتر بگویید ما را حال خلال کند. حتی وزیری به من زنگ زد و گفت به دکتر بگویید من را حال خلال کند. صبر آقای دکتر، منانت ایشان، خضوع و ولایت‌پذیری‌اش باعث شد خیلی از این افراد متحول شوند و بگویند ما چه ظلمی در حق آقای دکتر لاریجانی انجام دادیم.

ما غربت‌های ایشان را درک کردیم، با او بودیم و می‌دانیم چقدر به ایشان سخت گذشت. من فکر می‌کنم شهادت برای آقای دکتر لاریجانی مقدر شده بود. احساس من این است که خود ایشان هم فکر می‌کرد به شهادت خواهد رسید. خیلی وقت‌ها مطالبی را به ایشان می‌گفتم و ایشان پاسخ می‌داد: «شما فکر می‌کنید ما تا آخر سال زنده‌ایم؟». یا می‌گفت: «شما فکر می‌کنید ما تا آخر زنده‌ایم که این حرف‌ها را می‌زنید؟». بله، ایشان ذخیره‌ای برای نظام جمهوری اسلامی ایران بود و این ذخیره با هدایت امام شهید، در آن شرایط بسیار حساس مسئولیت پذیرفت. می‌توانست قهر کند و بگوید وقتی صلاحیت من را تأیید نکردید، چرا باید مسئولیت بپذیرم؟ اما این کار را نکرد. با علم به اینکه من احساس می‌کردم خودش هم به این نتیجه رسیده که شهید خواهد شد، مسئولیت را پذیرفت.

چه در زمان حیات رهبری و چه بعد از شهادت ایشان، آقای دکتر لاریجانی برای قوام‌بخشی به نظام تلاش کرد. خصوصاً بعد از شهادت رهبری، در حق آقای دکتر ایشان این بود که شورای موقت شکل بگیرد و بلافاصله مجلس خیرگان تشکیل و تصمیم‌گیری شود. الحمدالله این اتفاق افتاد. ایشان نیروهای نظامی، نیروهای امنیتی، نیروهای میدان و جریان‌های سیاسی را با یکدیگر هماهنگ می‌کرد. در آن مقطع، شکوفایی توان نظامی و مقاومت ما شکل گرفت و به اعتقاد من مهندسی و معماری این هماهنگی با آقای دکتر شهید لاریجانی بود.

کارگردانان ردصلاحیت لاریجانی را رسوا خواهیم کرد

❖ فقط یک سؤال دیگر درباره این بخش بیرسم، ماجرای ردصلاحیت شهید لاریجانی در شورای نگهبان بیشتر ناشی از تسویه‌حساب‌های سیاسی بود یا موضوع حضور دخترش ایشان در آمریکا مطرح بود؟ چون هنوز دلایل واقعی آن اتفاق روشن نشده‌است. دلایل مختلفی دارد. الان به مصلحت نمی‌بینم این مسائل را باز کنم، اما این اسرار را یک روز رومنای می‌کنیم و می‌گوییم چه اتفاقی افتاد. فعلا فقط به صحبت مقام معظم رهبری شهیدمان اکتفا می‌کنم که فرمودند جفا و ظلم شد. فعلا مردم همین را قبول کنند که در حق آقای دکتر لاریجانی جفا و ظلم شد، اما کارگردانانی را که در آنجا سناریو طراحی کردند، به‌موقع رسوا خواهیم کرد و اسامی آنها را اعلام می‌کنم.

عامل ازبین رفتن مرجعیت خبری صداوسیما همین جریان تندرو است

❖ به موضوع صداوسیما بپردازیم. شما بارها از سر دلسوزی نسبت به عملکرد این سازمان انتقاد کرده‌اید و تذکر داده‌اید، اما صداوسیما همچنان مسیر گذشته را ادامه داده و اصلاح



محسوسی در عملکردش دیده نشده است. حتی شاید بتوان گفت وضعیت بدتر هم شده است. از طرفی هنوز مشخص نیست آقای جبلی در مسئولیت خود باقی می‌ماند یا تغییر می‌کند. امروز عملکرد صداوسیما را چطور ارزیابی می‌کنید؟ وضعیت بد است و آن بیماری همچنان در صداوسیما وجود دارد. همان جریان تندرویی که درباره آن صحبت کردم، در اینجا هم حضور دارد. من یک تعبیر درباره این جریان دارم. اینها به‌انداز‌های مغرور هستند که یافته‌های خودشان را حق می‌دانند و یافته‌های دیگران را ناحق. الان هم همین‌طور هستند. خودشان را محق می‌دانند که به نیابت از جمهوری اسلامی ایران تصمیم بگیرند، حرف بزنند و فکر کنند. من در جایی گفتم‌ام بعضی از این افراد باید به خاطر خسرانی که به جمهوری اسلامی ایران وارد کرده‌اند، محاکمه شوند؛ حتی از تعبیر «دادگاه صحرائی» استفاده کردم.

جمهوری اسلامی ایران به خاطر تحریم‌ها میلیاردها دلار خسارت پرداخت کرده است. عامل این وضعیت چه کسانی هستند؟ همین افراد. عامل اینکه مرجعیت خبری صداوسیما لکه‌دار شده و از بین رفته، همین‌ها هستند. امروز مرجع خبری مردم از داخل کشور به خارج از کشور منتقل شده است. نباید به مردم اخبار دروغ داد، چرا در جنگ گفتند ما تعدادی جنگنده اف-۳۵ زده‌ایم؟ پس کجاست؟ چرا این جنگنده‌ها را نشان نمی‌دهند؟

با افرادی که این اخبار دروغ را منتشر کردند، چه برخوردی شد؟ هیچ برخوردی نشد. البته فقط در این موضوع نیست که برخوردی نشده است. مگر در ماجرای ۲۲ بهمن قم برخوردی شد؟ مگر در حرم امام برخوردی شد؟ مگر در مشهد، در مراسم تسبیح پیکر امام شهیدمان، به سه نفر از مسئولان و رؤسای قوای کشور توهین نشد؟ مگر همین حالا این کفن‌پوش‌ها به مقابل منزل آقای روحانی نمی‌روند و فحاشی نمی‌کنند؟ مگر مقابل منزل یا وزارتخانه آقای عراقچی نمی‌روند و توهین نمی‌کنند؟ **❖** چه کسی با این افراد و این نوع نگاه در نهایت برخورد می‌کند؟ این‌ر روند تا کجا می‌تواند ادامه پیدا کند؟ بالاخره این رفتارها هزینه‌های بیشتری به کشور تحمیل می‌کند. آیا سران نظام و آنچه قوه عاقله نظام می‌نامیم، نباید جلوی چنین روندی را بگیرند؟

اینها خودشان را بالاتر از قوه عاقله نظام می‌دانند. تصور می‌کنند فراتر از همه قرار گرفته‌اند و می‌توانند تصمیم بگیرند؛ درحالی‌که قوه عاقله نظام، شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور و قوه قضائیه هستند. اما این افراد خودشان را برتر از این نهادها می‌دانند.

❖ به نظر شما کدام بخش از نظام باید برای حل این مسئله ورود کند؟ آقای قالیباف هم اخیراً انتقاداتی مطرح کرده و حتی رهبر شهید نیز در مقطعی نسبت به عملکرد صداوسیما نقد داشتند. فکر نمی‌کنید برای یک تصمیم جدی و قاطع دیر شده است؟ به نظر من دیر شده است. کسانی که اختیار انجام این تغییرات را دارند، باید اقدام کنند. ما زمانی که مسئولیت اجرایی داشتیم، با این وضعیت مواجه بودیم. مثلاً زمانی که بنده استاندار بودم، اگر نکته‌ای به صداوسیما می‌گفتم، نهایت پاسخشان این بود که ما زیر نظر شما نیستیم. درست هم می‌گفتند که زیر نظر استانداری نیستند. اگر محبت می‌کردند، چهار خبر از ما پخش می‌کردند یا مصاحبه‌ای می‌گرفتند؛ وگرنه می‌گفتند به شما چه ارتباطی دارد؟

این دوقطبی نیست؛ نمی‌شود فیل و پشه را در دو کفه ترازو گذاشت

❖ رهبر سوم انقلاب بر ضرورت حفظ وحدت تاکید داشته‌اند، اما امروز شاهد پخش برنامه‌هایی از صداوسیما هستیم که آثار آن را در برخی تجمعات و رفتارهای سیاسی در جامعه مشاهده می‌کنیم. به نظر می‌رسد این برنامه‌ها به دوقطبی‌شدن جامعه دامن زده‌اند. شما این نقش صداوسیما را چطور تحلیل می‌کنید؟ من اساساً تعبیر دوقطبی را قبول ندارم، به این دلیل که وزن این دو جریان برابر نیست. شما نمی‌توانید موجودی مثل فیل را با موجودی مثل پشه در دو کفه ترازو قرار بدهید و بخواهید وزنشان را مقایسه کنید.

اینکه یک جریان بلندگو و میکروفون دارد، به معنای آن نیست که وزن اجتماعی بالایی هم دارد. صدای بلندگو می‌تواند تا هزاران نفر برود، اما ممکن است پشت آن فقط ۱۰۰ یا ۲۰۰ نفر باشند.

❖ آیا می‌توان این تریبون‌ها را از آنها گرفت؟ آیا محدودکردن این تریبون‌ها می‌تواند بخشی از مسیر اصلاحات و بازگرداندن تعادل سیاسی، روانی و اجتماعی به جامعه باشد؟ ما باید دنبال شایسته‌سالاری و اجرای عدالت باشیم. آنهایی را که بی‌دلیل بالا رفته‌اند، باید پایین آورد و آنهایی را که به‌ناحق پایین نگه داشته شده‌اند، باید بالا آورد. این همان چیزی است